



رفیق مانوئل اسماعیلی

### به یاد رفیق مانوئل اسماعیلی، الگوی درخشان کارگر انقلابی و آگاه

با تأسف تمام به اطلاع می‌رسانیم رفیق مانوئل اسماعیلی از فعالان سرشناس کارگری و اعضای ثابت قدم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در روز جمعه هجدهم نوامبر در پی بیماری چشم از جهان فروبست.

رفیق مانوئل در ۱۴ مهر سال ۱۳۱۸ برابر با ۷ اکتبر ۱۹۳۹ در یک خانواده زحمتکش در روستای زانیار از توابع خرقان قزوین چشم به جهان گشود. رفیق مانوئل ده ساله بود که خانواده اش به تهران مهاجرت کردند. دانی رفیق مانوئل، هونان عاشق از فعالان کارگری و سوسیالیست، نقش مهمی در مسیر زندگی او ایفاء کرد. رفیق هونان، مانوئل را برای یادگیری حرفه کفاشی به رفیق آوانس مرادیان، رفیق و هم‌سازمانی دیرینه اش سپرد. کارگاه کفاشی رفیق آوانس در میدان فوزیه، مرکزی برای گردهمایی کارگران کفاش در فعالیت های سندیکائی و محلی برای فعالان هم‌سازمانی اش برای سازمان دهی فعالیت های حزبی بود.



هونان عاشق

رفیق مانوئل در نزد رفیق آوانس به یادگیری حرفه کفاشی پرداخت. با علاقه ای که برای با سواد شدن داشت، در کلاس های شبانه ثبت نام کرد و پس از پایان کار، علیرغم شرایط بسیار سخت خانوادگی و معیشتی، شب ها به تحصیل پرداخت و تا پایان کلاس نهم تحصیلات خود را ادامه داد.

سندیکای کفاشان در دوره سالیان ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بخشی از اتحادیه های صنوف وابسته به "شورای متحده کارگری بود" و رفقا آلبرت سهرابیان و آوانس مرادیان هم زمان با فعالیت های حزبی، در فعالیت های اتحادیه ای نیز شرکت داشتند. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ "شورای متحده کارگری" منحل و همه سندیکاهای کارگری وابسته به آن نیز توسط حکومت نظامی تعطیل شدند.

فعالان کارگری سندیکای کفاشان و بخشی دیگر از سندیکاها از سال ۱۳۳۶ به بعد علیرغم فشارهای ساواک، در یک حرکت تدریجی، به بازگشائی سندیکا ها همت گماشتند. بازگشائی سندیکاها با استقبال کارگران مواجه شد. کارگران کفاش نیاز شدیدی به بهبود شرایط کارگاه های کفاشی داشتند. در آن دوره، کارگاه ها فاقد آب لوله کشی، پنکه و کولر برای کار در شرایط گرمای تابستان بودند. دستمزدها بسیار پائین و کارگران کفاش فاقد بیمه بودند.

در همین دوره بود که رفیق مانوئل که حرفه کفاشی را یاد گرفته بود و با سازمان "یکاکا" (مخفف "یادر کمونیستی ایران") وارد ارتباط شد. سازمان "یکاکا" به رهبری باقر امامی به صورت مخفی در سال ۱۳۳۲ تاسیس شده بود و رفقا هونان، آوانس و آلبرت از فعالان اصلی آن بودند. "یکاکا" تلاش می کرد از طریق اعضای خود در میان بخش های گوناگون کارگری فعالیت کرده و تشکیلات خود را از طریق عضو گیری از میان کارگران آگاه و انقلابی گسترش دهد. متون آموزش های مارکسیستی که توسط باقر امامی ترجمه و یا تالیف شده بود، مبنای آموزش های پیش عضو ها برای ورود به تشکیلات بود. سازمان "یکاکا" بعداً با ادغام با سازمان کمونیستی دیگر به نام "گاما" به سازمان "ساکا" (سازمان کارگران انقلابی ایران) مبدل شد و فعالیت آن تا سال ۱۳۴۹ ادامه یافت. رفیق مانوئل همزمان با فعالیت های سندیکائی تا سال ۱۳۴۹ که اکثر اعضای "ساکا" توسط ساواک دستگیر شدند، عضو این تشکل های کمونیستی بود.

در آن دوره به خاطر اهمیت فعالیت سندیکا ها، دو حزب وابسته به رژیم شاه " حزب ملت ایران" و "حزب ایران نوین" تلاش می کردند سندیکاهای موجود را به خود وابسته کنند. "حزب ایران نوین" که توسط حسنعلی منصور تاسیس شده بود و حزب اصلی وابسته به دربار بود، دارای تشکیلات مفصل از جمله بخش کارگری بود. رهبران این حزب علاقه داشتند سندیکاها را به خود وابسته کرده و با تهی ساختن خصلت مبارزاتی تشکل های کارگری، آن ها را به تشکل های کارگری زرد مبدل کنند.

سندیکای کارگران کفاش مانند بخش دیگری از سندیکاها، علیرغم آن که زیر فشارهای شدید قرار داشتند، موفق شدند استقلال خود را حفظ کنند. حفظ این استقلال نه فقط در رابطه با دولت و احزاب دولتی بلکه با توجه به تجارب تلخ قبل از کودتای ۱۳۳۲ در قبال عدم وابستگی به گرایشات سیاسی بود که هواداران آن ها در میان سندیکا مشارکت داشتند. سندیکای کارگران کفاش توانست با پیگری و سازماندهی اعتصابات شرایط محیط کار در کارگاه ها را بهبود داده، دستمزد ها را افزایش دهد و مهم تر از همه موفق شد بیمه همه کارگران کفاش را به وزارت کار تحمیل کند. این موفقیت ها نفوذ و اعتبار هیئت مدیره سندیکا در میان کارگران را افزایش داد و سندیکا را به یک تشکل کارگری محبوب و پرنفوذ مبدل ساخت.

در دوره ای که از سال ۱۳۳۲ شروع شده و تا سال ۱۳۴۹ با دستگیری ساکا پایان یافت، رفیق مانوئل هم در فعالیت های سندیکای کارگران کفاش فعال بود و هم فعالیت حزبی خود را در ارتباط با "یکا" و سپس "ساکا" ادامه می داد. صمیمیت، امانت، تواضع و افتادگی زبانزد رفیق مانوئل موجب شده بود که در طی سالیان به یکی از اعضای مورد اعتماد سندیکای کارگران کفاش مبدل شود.

رفیق مانوئل در سال ۱۳۴۵ با رفیق مارگریت ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند پسر به نام های "آندره" و "ساکو" هستند. این پیمان زناشویی بسیار موفق بود و رفیق مارگریت در تمامی طول فعالیت های رفیق مانوئل و فراز و فرودهای زندگی، تکیه گاه محکم و همراه و پشتیبان رفیق مانوئل بوده است.

در جریان دستگیری اعضای "ساکا"، رفیق مانوئل در بخشی فعالیت داشت که به خاطر مقاومت درخشان رفقای مسئول، دستگیر نشد و پس از برچیده شدن "ساکا" به فعالیت های کارگری و سندیکائی خود ادامه داد.

در سال ۱۳۵۳ محمد رضا شاه پهلوی حزب رستاخیر را تاسیس کرد. بر خلاف دوره دهه چهل که احزاب وابسته به دربار تلاش می کردند سندیکاها را جذب کنند، حزب رستاخیر بنا را بر پیوستن اجباری همه تشکل ها از جمله سندیکاها به حزب رستاخیر گذاشت. این بار نیز سندیکاها و از جمله سندیکای کارگران کفاش با یک آزمون جدی برای حفظ استقلال خود مواجه شدند. اما در سندیکا اکثریتی قوی طرفدار استقلال بود و این حمایت پشتوانه ای شد برای مقاومت سندیکا و تن ندادن به وابستگی به حزب رستاخیر.

با شروع امواج انقلاب سال ۱۳۵۷ فشارها بر روی سندیکا کاهش یافته و بویژه با آزادی رفیق آلبرت سهرابیان و فضای باز سیاسی و در نهایت سرنگونی رژیم شاه شرایط فعالیت سندیکا ها و جلب کارگران به فعالیت سندیکائی به طور کیفی گسترش یافت.



از سمت چپ نشسته حسن یونسی، بهمن، ایستاده مانوئل، آلبرت، کاشانی و سایر همکاران سندیکائی اما از سال شصت با شروع سرکوب های خونین و بیرحمانه، فضای سیاسی برای فعالیت سندیکائی رو به دگرگونی نهاد. رژیم جمهوری اسلامی پس از درهم کوبیدن نیروهای سیاسی مخالف به سراغ تشکل های مستقل سندیکائی مانند سندیکای کفاشان رفت. در همین دوره رفیق مانوئل از اعضای اصلی رهبری سندیکای کارگران کفاش بود و مسئولیت های گوناگونی در اداره امور سندیکا داشت؛ از جمله کمک به کارگرانی که کار خود را از دست میدادند برای پیدا کردن شغل، کمک های مالی برای رفع نیازهای مادی از حق عضویت جمع آوری شده از اعضای سندیکا و یا سایر کمک ها به همکاران سندیکائی. بالاخره دستگاه های سرکوب رژیم به دفتر سندیکا هجوم آورده و آن را مهر و موم کردند. به این ترتیب هر سطح از فعالیت علنی سندیکائی که به جز یک گسست کوتاه میان سالیان ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ دهه های متمادی به فعالیت خود ادامه بود، ممنوع شد. علیرغم مهر و موم بودن دفتر سندیکا، رفیق مانوئل همراه با همکاران وارد دفتر سندیکا شده و اسناد و اموال باقی مانده را خارج کردند. از آن

پس فعالیت سندیکا به طور کامل به خانه های فعالان منتقل شد. منزل رفیق مانوئل، یکی از منازل بود که هیئت مدیره سندیکا در روز های جمعه، نشست های خود را آنجا برگزار می کرد.

با مهاجرت به خارج از کشور، فصل دیگری از فعالیت رفیق مانوئل آغاز شد. او که همواره معتقد به فعالیت حزبی بود و از قبل بیشترین احساس نزدیکی را با مواضع سازمان داشت، به سازمان ما، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پیوست. او همچون رفقای هم رزمش هونان عاشق، حسن اردین، آوانس مرادیان و آلبرت سهرابیان ... با پشتوانه چندین دهه فعالیت منضبط حزبی در دوره های گوناگون حاکمیت استبداد سیاسی، نمونه الگوواری از کارگران انقلابی و آگاه بود. کارگرانی که تعهد تشکیلاتی و فعالیت منضبط، آگاهانه و به ویژه مستمر جمعی و حزبی، یکی از مشخصه های آن ها بود.



در کنگره سازمان همراه با رفیق مارگریت

رفیق مانوئل در کنگره ها و مجامع عمومی سازمان به طور منظم شرکت کرده و در تصمیمات سازمانی مشارکت داشت. متأسفانه به علت ابتلاء به کرونا علیرغم سه ماه معالجات فشرده، با وجود بیماری های زمینه ای دیگر امکان بهبود او میسر نشد.

رفیق مانوئل زمانی ما را ترک کرد که مردم ایران در انقلابی دیگر، این بار برای نهادن نقطه پایان به فاشیسم مذهبی حاکم به پا خاسته اند. اما یاد رفیق مانوئل، فعالیت ها و تجربیاتش، چهره خندان، شخصیت صمیمی، متواضع و دوست داشتنی، یکدلی و رفاقت بی شائبه اش در فعالیت مشترک برای ما و نسل های آینده که برای پایان دادن به استبداد، تاریخ اندیشی و بهره کشی و برای رهائی کامل انسان پیکار می کنیم، ماندگار باقی خواهد ماند. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم  
هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
یک شنبه ۶ آذر ۱۴۰۱ برابر با ۲۷ نوامبر ۲۰۲۲